

فصل‌نامه جُندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال سوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۶

ضیافت‌های شرق و غرب: سه رویارویی بین ایرانیان و اروپاییان در دوره

قاجار (۱۷۸۶-۱۹۲۵)^۱

جنیفر اسکرس^۲

ترجمه علی زارع^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۱۴

تأسیس حکومت قاجار از سوی آقا محمد خان در ۱۷۸۶، یک دوره ثبات نسبی را در ایران آغاز نمود که این ثبات در طول قرن نوزدهم و تا سال ۱۹۲۵ دوام آورد. دو تن از مهم‌ترین جانشینان آقا محمد خان یعنی فتحعلی شاه (۱۷۹۷-۱۸۳۴) و ناصرالدین شاه (۱۸۹۶-۱۸۴۸)، در طول دوران طولانی پادشاهی‌شان، تثبیت مرزهای ایران را تا حدود آن روزشان تجربه نمودند و یک تعادل هوشیارانه در سیاست داخلی با امور مذهبی، اداری و نفوذ تجاری و نیز ارتباطات بین‌المللی با قدرت‌های اروپایی برقرار نمودند. یکی از نتایج عمده سیاست خارجی قاجار افزایش ارتباط بین اروپاییان همچون دیپلمات‌ها، کارمندان نظامی، متخصصین فنی و آموزشی، تاجران، باستان‌شناسان و مسافران کنجکاوی که دوره‌های طولانی را در ایران گذراندند و ایرانیانی که از آن‌ها پذیرایی می‌کردند بود. از آن جا که مهمان‌نوازی یکی از ویژگی‌های عمده فرهنگ اجتماعی ایرانی است، پذیرایی‌ها و سرگرمی یک نقش اساسی در دیپلماسی رسمی و نیز در پیک‌نیک‌های خصوصی و مهمانی‌ها ایفا نمود.

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Scarce, Jennifer. "Entertainments East and West—Three Encounters between Iranians and Europeans during the Qajar Period (1786–1925)". *Iranian Studies*, 40:4, 455-466, (2007). DOI: [10.1080/00210860701476437](https://doi.org/10.1080/00210860701476437)

۲. پژوهشگر فرهنگ‌های شرقی در موزه‌های ملی اسکاتلند

۳. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی از دانشگاه بیرجند Alizareparslion@yahoo.com

گزارش‌های بازدیدکنندگان اروپایی اغلب یک تصویر مفصل و زنده از مهمانی و پذیرایی از سوی ایرانی‌ها را ارائه می‌کند. کارکنان ساختمان تلگراف ایران، مثل پزشک سی. جی. ویلس،^۱ مجالسی را ضبط می‌کنند که در آن‌ها به عنوان مهمانان محترمی برخورد شده است، در حالی که همسران دیپلمات‌ها هم چون الیزابت مک نیل^۲ در ۱۸۲۷ و لیدی شیل^۳ در ۱۸۵۰ مهمانی‌شان را با همسر فتحعلی شاه و مادر ناصرالدین شاه توصیف می‌کنند. ایرانی‌ها هم‌چنان که به طور فزاینده‌ای از اروپا دیدن نمودند، بیشتر در چرخه مهمانی افتادند. میرزا ابوالحسن خان، سفیر فتحعلی شاه به دربار جرج^۴ سوم در سال ۱۸۱۰-۱۸۰۹، از یک کامیابی خیره‌کننده در جامعه لندن لذت برد و آن را در دفتر وقایع روزانه‌اش ثبت نمود. بعداً، ناصرالدین شاه سه دیدار از اروپا در سال‌های ۱۸۷۳، ۱۸۷۸، و ۱۸۸۹ به عمل آورد که او نیز آن‌ها را ثبت نمود.

یک سنت طولانی و نیکو آغاز یافته مهمانی وجود دارد که می‌تواند در طول تاریخ ایرانی ردیابی شود و این سنت به مجامع رسمی و صحنه‌های شکار کردن و مهمانی که در نقش برجسته‌های سنگی حجاری شده‌اند و در قالب آورده شده‌اند و بر روی ظروف نقره و طلا و ظروف آشامیدنی دوره‌های هخامنشی و ساسانی (قرن ششم ق. م - قرن هفتم پ. م) کند و کاری شده‌اند، بازمی‌گردد. به همین نسبت، مهمانی‌های دربار و پیک نیک‌های تشریحی به‌طور مطبوعی در تصاویر نسخ خطی از قرن یازدهم به این سو نشان داده شده‌اند و نیز از سوی مأموران اروپایی به دربار شاهان صفوی قرون شانزدهم و هفدهم به بعد^۵ در توضیحات رنگ و زیبایی توآمان لباس و اثاثیه، نگاشته شدند.^۶

1. C. J. Wills
2. Elizabeth McNeil
3. Lady Sheil
4. George

۵. برای نمونه نک:

Marianna Shreve Simpson, *Persian Painting and Patronage. Illustrations in a Sixteenth-century Masterpiece* (New Haven, 1998), pl. 42. Yusuf gives a royal banquet in honor of his marriage and pl. 52 Young Men in a Garden, folios 132a and 179b from the album of Jami's Haft Aurang commissioned by Sultan Ibrahim Mirza in Meshed in 1556.

6. See Michel Membre, *Mission to the Lord Sophy of Persia 1539-1542*, trans. A.H. Morton (London, 1993), 27 for a description of the clothes of Shah Tahmasp and his retainers.

امنیت نسبی حکومت قاجار که از سوی آقا محمد خان در سال ۱۷۸۶ آغاز شد، این زمینه را به وجود آورد که مهمانی در دورهٔ پادشاهی دو تن از مهم‌ترین جانشینانش، فتح‌لی شاه (۱۷۹۷-۱۸۳۴) و ناصرالدین شاه (۱۸۴۸-۱۸۹۶)، رشد و نمو یابد، به ویژه با زمینهٔ مهمان‌نوازی که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زندگی اجتماعی ایرانی است. وفور استناد به منابع نوشتاری و دیداری، به طور فزاینده‌ای سطح گستردهٔ انتخاب سرگرمی و تفریح را که در تمام سطوح اجتماعی دورهٔ قاجار تجربه شده بود را آشکار می‌سازد. در دربار قاجار، فعالیت‌های سنتی اردو کشی شکار، مراسمات گسترده و پذیرایی ادامه یافت. جشنواره‌های عمومی برای جشن گرفتن نوروز _ آغاز سال و پایان رمضان وجود داشت. مذهب با نمایش تئاتری در اجراهای تعزیه که نمایش نامهٔ شهادت نوه‌های محمد (ص) پیامبر، حسن و حسین (ع)، بود، ممزوج شد که این تعزیه بهانه‌ای برای گشت و گذار اجتماعی فراهم نمود.^۱ سرگرمی عمدهٔ خانواده از مراسمات عروسی به مهمانی غیر رسمی خانوادگی نوشیدن چای تغییر کرد.^۲ دیدار از حمام‌ها به یک سرگرمی محبوب برای خانم‌ها بدل گشت. یک طبقهٔ برگزیدهٔ متوسط و رو به بالای آموزش دیده نیز به‌طور فزاینده از خواندن شعر و رمان و دیدن مجلات تصویری و نوشتن شرح حال و خاطرات روزانهٔ شخصی لذت می‌برد، در حالی که نقالان حرفه‌ای اجراهای خصوصی‌شان را در خانه‌های ثروتمندان و فضاهای عمومی هم چون قهوه‌خانه‌ها و بازارها دربارهٔ اقدامات قهرمانی شاهنامهٔ فردوسی، به نمایش می‌گذاشتند. فعالیت‌های بیرون خانه نیز فراگیر بودند _ مهاجرت به خانه‌های تابستانی برای شاهان قاجار و ملتزمین آنها، گردش در میان خانواده‌ها و دوستان و زیارت‌های اماکن مقدس شیعه قم و مشهد.

همچنان که قرن نوزدهم پیش رفت، ایرانیان از ورزش‌ها و اقدامات علمی مثل کوه‌نوردی^۳ و حفاری باستان‌شناسی لذت بردند. در طول دههٔ ۱۸۷۰، به عنوان مثال، فرهاد میرزا معتمد الدوله، عموی ناصرالدین شاه و حاکم فارس، کارگرانی را اجیر کرد تا تالار صد ستون تخت جمشید را تخلیه کنند در حالی که فرصت حسینی شیرازی آثار باستانی استان را بین ۱۸۴۹ تا ۱۸۹۷ حفاری و نتایج آن را منتشر

۱. ناصرالدین شاه دستور ساخت تکیهٔ دولت را در سال ۱۸۶۸ در زمین‌های کاخ گلستان جهت اجرای نمایش تعزیه صادر کرد.

2. See *Ladies Around a Samovar*. Painting in oil on canvas by Isma'il Jalayrir, late nineteenth century. Victoria and Albert Museum London, inv. No. P56- 1941.

3. This fascinating subject is currently under research by Bernard Hourcade and Suzanne Rigaud at Mondes Iranien et Indien, CNRS, Paris.

نمود.^۱ سفر خارجی هم چنان‌که ایرانی‌ها به خارج از کشور برای مطالعه و انجام ماموریت‌های دیپلماتیک می‌رفتند، توسعه یافت و تجارشان را گسترش داد و هم چنین فرصت‌هایی برای آسودگی و سرگرمی را فراهم نمود.^۲ ناصرالدین شاه بشخصه سه سفر خوب تبلیغاتی در سال‌های ۱۸۷۳، ۱۸۷۸ و ۱۸۸۹ به اروپا داشت که جدا از مهمانی‌های رسمی و بازدیدهای نظامی و دریایی و کارخانه‌ها و نمایش در تئاتر و اپرا و مهمان نوازی در خانه‌های کشور و اشرافی، پشتیبانی ضروری را برای حمایت‌های دیپلماتیک فراهم نمود.

ایرانیان به همان نسبت، ارزش مهمان نوازی خوشایند و سرگرمی را در توسعه روابط با قدرت‌های اروپایی درک کردند که به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز سیاست خارجی قاجار بدل شد. ارتباطات رسمی بریتانیا با ایران عصر قاجار با مأموریت کاپیتان جان ملکم،^۳ سفیر کمپانی هند شرقی در سال ۱۸۰۰، آغاز شده بود و به زودی با نمایندگی سرهارفورد جونز از ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۱ و سرگور اوزلی^۴ سفیر ویژه و تام‌الاختیار بریتانیا از ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۴ ادامه پیدا کرد. همچنین هیئت فرانسوی با ریاست ژنرال گاردان^۵ ارتباطات دیپلماتیک و نظامی با ایران را از سال ۱۸۰۷ رسمی کرده بود. حضور قدرت‌های اروپایی رقیب به‌طور طبیعی تعداد زیادی از نمایندگان را به سوی دربار فتحعلی شاه ترغیب نمود که این بحث‌ها با هدایای وافری همراه بود. شاه به خوبی برای مواجهه با چنین مراسمی مجهز بود، چرا که او از تلاش‌های آقا محمد خان برای تثبیت مدیریت ایران و منابع مالی برای ساختن پایه قدرتش در پایتخت جدید یعنی تهران، به خوبی بهره برده بود. این‌جا، کاخ گلستان هسته دولت و دربار تشریفاتی توامان بود و طراحی شده بود تا افراد تحت سلطه و خارجی‌هایی که اجازه دسترسی به آن جا داشتند را تحت تأثیر قرار دهد. شاه در یک تالار پذیرایی باز و با ستون‌های مرمر به تخت می‌نشست که با نماهای آینه کاری

1. Forsat Husaini Shirazi, Bombay 1894–97.

2. See Denis Wright, *The Persians among the English. Episodes in Anglo-Persian History* (London, 1985) for a full account of their experiences.

3. Capitan John Malcolm

4. Sir Gore Ousely

5. General Gardane

تزیین شده بود که این آینه‌ها لباس‌های با شکوه و جواهرات او را بازتاب می‌داد و با بخشندگی از مهمانانش پذیرایی می‌کرد و بازدید کنندگانش را تحت تأثیر قرار می‌داد.^۱

جدا از تشریفات رسمی پذیرایی‌های عمومی، ارتباطات دوستانه‌تری بین ایرانیان و اروپایی‌ها مخصوصاً در میان زنان وجود داشت. یکی از جالب‌ترین نمونه‌ها مهمان‌نوازی ارایه شده به الیزابت مک نیل از جانب یکی از زنان ارشد فتحعلی شاه است که آمیزه‌ای از غیررسمی بودن و نمایش ظاهری را آشکار می‌سازد. هم‌چنان‌که اروپایی‌ها با ایرانیان بیشتر دم‌خور شدند، برخی از آنها همسرانشان را با خودشان به ایران آوردند. یکی از آنها برای نمونه اسکات جان مک نیل^۲ بود که یک دورهٔ متمایز را در ایران از سال ۱۸۲۳ تا ۱۸۴۲، ابتدا به عنوان افسر پزشکی، بعد به عنوان دیپلمات و در نهایت به عنوان سفیر ویژه و تام‌الاختیار در دربار تهران بین سال‌های ۱۸۳۶ و ۱۸۴۲ را تجربه نمود. الیزابت ویلسون،^۳ دختر یک تاجر ثروتمند و تولیدکنندهٔ پارچه که کارخانه‌ای نزدیک گلاسکو^۴ داشت، جان را در ادینبورگ^۵ در سال ۱۸۲۲ ملاقات نمود و با او در روز آغاز سال نو در ۱۸۲۳ ازدواج نمود. زمان کوتاهی پس از ازدواجشان، آنها به ایران مسافرت کردند، جایی که الیزابت مجبور بود در تبریز تا سال ۱۸۲۷ زندگی کند و در این سال با جا به جایی سفارت بریتانیا به تهران، او نیز اعضای سفارت را همراهی نمود. این زمان، او قادر بود تا ارتباطات اجتماعیش را با ایرانیان و نهایتاً از طریق موفقیت‌های همسرش در دربار قاجار گسترش دهد. جان کاردان از مهارت‌های پزشکی بهرهٔ خوبی برد تا بتواند همسر ارشد فتحعلی شاه و نیز یکی از فرزندان او را درمان کند. به پاس قدر دانی، الیزابت و دو دخترش مارگارت^۶ و هستر^۷ به‌همراه پرستارشان خانم رابینسن^۸ به حرم سلطنتی دعوت شدند، جایی که آنها با سخاوت تمام خوشامدگویی و پذیرایی شدند. گزارش دقیق الیزابت از ملاقاتش سرشار از جزییات مفید دربارهٔ منابع و جایگاه زنان برگزیدهٔ

1. Sir Robert Ker Porter, *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia During the Years 1817, 1818, 1819, and 1820* (London, 1821–22) I: 335.

2. Scot John McNeill

3. Elizabeth Wilson

4. Glasgow

5. Edinburgh

6. Margaret

7. Hester

8. Mrs. Robinson

قاجار است. او در یک اتاق خیره کننده با دیوارهای روکش شده با آینه کاری پذیرایی شد و نیز او به همان نسبت لباس‌های وافر و زیور آلات همسر شاه و ملازمانش را توصیف می‌کند: شوکت، شکوه، ثروت خیره کننده و درخشندگی منظره بیش از این نمی تواند وجود داشته باشد. کلفت‌ها در الماس‌ها و یاقوت‌ها و لباس‌های زر بفت و پولک دوزی شده می درخشیدند. لباس‌هایشان در اصل از گران بها ترین پارچه‌ها بود که با دقت با مرواریدها و سنگ‌های گران بها قلاب دوزی شده بودند که کمتر می‌توانست دیده شود. موهایشان به صورت آزاد آویزان بودند و سرهایشان با روش‌های گوناگونی با جواهرات تزیین شده بود. ملکه بر روی یک تشک مخملی قرمز رنگ نشسته بود که به سبک اعیانی با مروارید قلاب دوزی شده بود و به یک متکای چهار گوش بزرگ با جنسی مشابه تکیه داده بود، فقط با این تفاوت که مرواریدها در این جا آن قدر به هم نزدیک بودند که هیچ بخشی از مخمل قابل دیدن نبود. اما لباس خود ملکه مجلل‌ترین بود. سنگ‌های گران بها جدا از خود محیط، به تنهایی حدود ۱۵۰/۰۰۰ لیره استرلینگ ارزش داشت.^۱

جدا از زرق و برق همسر فتحعلی شاه و زنان دربارش، شاهدهی از اعتماد و تعهد به الیزابت بر اساس گزارشش وجود دارد که آشکار می‌سازد که وی به عنوان متولی گران بهاترین جواهرات لباس‌های سلطنتی محل اعتماد بوده‌است:

بر روی طاغچه بالای سرش تاج شاه قرار گرفته بود (یک شی نفیس)، و بر هر طرف آن یک سرپوش پوستی سیاه رنگ بره ایرانی قرار داشت که با تکه‌های ریز بزرگ‌ترین الماس‌ها تزیین شده بود. کنار محل استراحت وی بازو بندهای مشهور شاه که در یکی از آنها الماس دریای نور است، قرار داشت. در طاغچه‌های متفاوت دیگر شمعدان‌ها، لوازم آرایش، تشتها و جعبه‌های کوچک و خالص‌ترین طلا و سنگ‌های با ارزش قرار داشتند.^۲

تضاد بین نمایش اتفاقی این جواهرات بسیار قیمتی و ظاهرشان در تصاویر رسمی با شکوه فتحعلی شاه چشم گیر است.^۳ الیزابت بشخصه دریافته بود که وی نتوانسته با این شکوه و فر به رقابت برخیزد، اما موقرانه با موجودی محدود لباسش تمام تلاشش را به کار برده بود. او اطلسی سپید با توری پر چین

1. Quoted in Katie Hickman, *Daughters of Britannia, the Lives and Times of Diplomatic Wives* (London, 2000), 241.

2. Hickman, 241–242.

3. *Royal Persian Paintings—the Qajar Epoch 1785–1925*, ed. Layla S. Diba (London, 1998), pls. 38,39, 40. Portraits in oil on canvas of Fath ‘Ali Shah wearing these jewels.

عریض پوشیده بود و خودش را با حیا برای عزیمت به حرم سلطنتی و با ردای بزرگ ابریشم لاک‌پوشانده بود و نیز سرش را با یک روسری بزرگ و آبی کم‌رنگ در هم پیچیده بود.^۱ الیزابت و دو تن از مهمانانش با مهربانی سنتی ایرانی پذیرایی شدند: دستانشان با گلاب آب پاشی شدند سپس آنها به خوردن قهوه در فنجان‌های طلایی روکش شده با زمرد تعارف شدند. فرزندان الیزابت معرفی شدند و به شدت در برابر این احاطه شدن ناآشنا واکنش نشان دادند. مارگارت به خاطر تشعشع درخشان الماس‌ها وحشت زده شد، اما هستر آرام‌تر بود و در دستان جواهر نشان همسر شاه که یک جفت دست بند مروارید نشان به میچ‌هایش بسته بود، تاب می‌خورد. مهمانی، یک تجربهٔ موفق با هدیه‌های وافری بود که زیورهای گسترده‌ای از الماس‌ها، یاقوت‌ها، زمردهای سبز و مروارید برای الیزابت به ارمغان آورد.^۲ تبادل مودبانهٔ هدایا به عنوان اصل مهمان‌نوازی ضروری بود. الیزابت در یک نامه برای جین ویلسون^۳ در ادینبورگ، اسباب بازی‌هایی را برای هدیه دادن به بچه‌های حرم سلطنتی درخواست کرده بود. جعبه‌های انفیبه با اشکال مار، یک کشتی کوچک نوح و لانه‌های جعبه‌ای پرندگان را درخواست نموده بود.^۴ اما هنوز چیزی نگاشته نشده که این اقلام رسیده باشند.

رویارویی‌های بین ایرانیان و اروپاییان به‌طور یک‌نواختی از رسمیت پر زرق و برق مهمانی‌های دربار به اشکال متفاوت پذیرایی سر برآورد. حضور در حال افزایش اروپایی‌ها، مخصوصاً در طول پادشاهی ناصرالدین شاه، فرصت‌های وافری را برای آنها فراهم کرد تا با ایرانیان دیدار کنند. توسعهٔ روابط سیاسی و تجاری، آغاز و توسعهٔ ماموریت‌های دائم را تشویق نمود. هم‌چنین در اروپا، مردم از طریق نمایشگاه‌های بین‌المللی و بازارها بیشتر از ایران در قرن نوزدهم آگاه شدند. به عنوان مثال نمایش‌های ایرانی در Great exhibition در کریستال پالاس^۵ در لندن^۶ در سال ۱۸۵۱ و در نمایشگاه Universelles پاریس^۷ در سال‌های ۱۸۶۷ و ۱۸۸۹ برگزار شد. پیش از این در ایران، متخصصان نظامی و فنی اروپایی در توسعهٔ سیستم‌های ارتباطی در سر تا سر کشور همکاری نمودند. یکی از

1. Hickman, 240.
2. Hickman, 242.
3. Jane Wilson
4. Hickman, 81.
5. Crystal palace
6. London
7. Paris

مهم‌ترین آنها تأسیس خط تلگراف اتصال لندن به هند از طریق ایران بود که علایق حکومت‌های بریتانیایی و ایرانی را به خود جلب نمود. تاریخچهٔ ساختمان تلگراف ایرانی پیچیده‌است، اما در اصل از سال ۱۸۶۳، کار بر روی ساخت و ساز شبکهٔ خطوط و دفاتری که در تمام ایران توسعه می‌یافت، آغاز شده بود و از سوی کارکنان بریتانیایی، اروپایی و ایرانی حفظ شد.^۱

کارکنان دفتر تلگراف که اغلب در انجمن‌های کوچک و مجزا و دور از تهران کار می‌کردند، ارتباط نزدیک تری با ایرانیان در زمینه‌های حرفه‌ای و اجتماعی یافتند. پیشهٔ دکتر سی. جی. ویلس^۲ یک افسر پزشکی در ساختمان تلگراف ایران از ۱۸۶۶ تا ۱۸۸۱، حاوی اطلاعات مفیدی از تجربیات یک بریتانیایی دور از وطن در دوره قاجار ایران است. دکتر ویلس از کارش که وی را به دفتر تلگراف تهران، همدان، اصفهان، کرمانشاه و شیراز کشاند، لذت برد و او از بیشترین فرصت‌های بهره‌برداری از ایرانیان را بشناسد و از شرکتشان قدر دانی کند. او گزارش مفصل و ریز تجربیاتش را نگاشت که هم چنان یک منبع عمده و مهم برای رسوم زندگی ایرانیان در طول دورهٔ پادشاهی ناصرالدین شاه محسوب می‌شود.^۳ ویلس به واسطهٔ مهارت‌های پزشکی، با زنان ثروتمند حرم در تهران و نیز با فقرا در داروخانه‌های عمومی اصفهان و به همان نسبت با کارکنان ساختمان تلگراف تعامل داشت. از لحاظ اجتماعی، او دعوت‌های زیاد و متنوعی از مهمانی‌های رسمی، مراسم صرف چای، پیک نیک و شکار، دریافت نمود.

یکی از زنده‌ترین این دعوت‌ها مربوط به یک مراسم در کرمانشاه بود. ویلس در سال ۱۸۶۷ به دفتر تلگراف آنجا نقل مکان کرده بود و چون به همکاری نیاز شد، بلافاصله از او خواسته شد تا تمام توجهش را به عماد الدوله عموی ناصرالدین شاه و حاکم کرمانشاه معطوف دارد، که انتصابش به عنوان حاکم، رویهٔ استفاده از شبکهٔ خانوادگی قاجار برای ادارهٔ استانی بود. آنها به تبادل اخبار تهران و اروپا به همراه صرف چای پرداختند. روز بعد به بازدید مجدد از بزرگ‌ترین فرزند حاکم و یک دعوت به چای به همراه شام همراه بود. در این جا گزارش ویلس هم دربارهٔ مشاهداتش و هم در مورد اطلاعاتش دربارهٔ فرهنگ

1. Sir Denis Wright, *The English among the Persians* (London, 1977), 128–138. For more on the electric telegraph and other innovations, see Jennifer Scarce, “Travels with Tiles and Telegraph from the Private Papers of Major-General Sir Robert Murdoch Smith, AARP,” *Art and Archaeology Research Papers* (London, 1973): 70–81.

2. Dr. C. J. Wills

3. C. J. Wills, M.D., *In the Land of the Lion and Sun or Modern Persia* (London, 1891).

اجتماعی ایرانی چشم‌گیر است. او ساختمان میزباننش را به محض ورود در ساعت ۵ عصر توصیف می‌کند:

او را در کنار برادرش نشسته در یک تالار بزرگ یافتیم که یک سمت آن باز بود. کل اتاق به عجیب‌ترین شکل تزیین شده بود؛ آینه‌های مرسوم و تصاویر دیواری گلگون در اتاق وجود داشت؛ نقاشی‌های تمام قد از رقاصان و دختران در حال رقص با لباس‌های سنتی نیز به چشم می‌خورد که پنجاه سال پیش طراحی شده بودند.^۱

شاهزادگان قاجار با وجود ثروتشان مطابق مد روز نبودند، چرا که تزیینات داخلی ساختمان به سبک پادشاهی فتحعلی شاه بود. در دههٔ ۱۸۶۰، دیوارهای آپارتمان‌های تهران با قاب‌های گچ‌بری سفید و طرح‌های شاخ و برگ استادانه و نیز با مینا‌کاری با آینه‌های نقره‌فام تزیین شدند و نیز اتاق‌ها از طریق پنجره‌هایی با موزاییک شیشه‌ای رنگی چراغانی شدند.^۲ مهمانی‌های شبانه با طعم‌های مختلفی از نوشیدنی‌ها ادامه یافت:

شراب، در حال حاضر تولید شده و از سوی دو برادر عرضه شده‌است، و سینی‌های شیرینی تعارف می‌شدند و پس از آن بر روی زمین در کنار ما قرار گرفتند. مشروبات به شکل عرق، مشروب قوی کشور، ما را احاطه کرده بودند، اما ما نپذیرفتیم. با این وجود، میزبان ما و برادرش، عرق را مثل آب نوشیدند.^۳

مصرف مشروبات الکلی در میان نجبای قاجار و طبقات بالایی جامعه در مهمانی‌ها متداول بود و هدف این بود که هر چه زود تر مست شوند. الکل در تمام اشکالش در دسترس بود — شراب به وسیلهٔ آمریکایی‌ها و یهودیان در همدان، شیراز و نیز در اصفهان در حومهٔ جلفا که محل تولید نوع خاصی از شراب قوی بود، تولید می‌شد.^۴ ویلس هوشیار سپس مرحلهٔ بعدی مراسم نوشیدنی را مشاهده کرد، ورود دختران رقاص:

1. Wills, 113–114.

2. Wills, 39–40.

3. Wills, 114.

4. See Rudi Matthee, *The Pursuit of Pleasure: Drugs and Stimulants in Iranian History, 1500–1900* (New Jersey, 2005), 185–189, for the consumption of alcohol among the Qajar elite and upper classes.

دختران زیبا، سبزه و با چشمان کشیده بودند؛ چهره‌هایشان گویی نقاشی شده بود و در کل دختران فاخری بودند و سنشان بین هفده تا بیست سال بود. رقصشان تنوعی نداشت. آنها دایره وار می‌چرخیدند و دستانشان عمود در هوا بود، در حالی که با انگشتانشان بشکن می‌زدند ... دختران اکنون برخی از مهارت‌ها هم چون بند بازی، نگه داشتن تمام جام‌ها و شمع‌های روشن و یک نمایش حرکتی را انجام دادند. آنها بر روی سرهایشان ایستادند و با دستانشان راه رفتند؛ سپس به رقص دستمال پرداختند.^۱

پس از یک شام مفصل، ویلس ساعت ۱۱ شب قصد کرد مهمانی را ترک کند تا میزبانانش مراسم را ادامه دهند. گزارش وی سهولت پذیرشش را در الگوی مهمان نوازی مرد ایرانی و دسته‌بندی نقش‌های زنان در بین انزوای همسران، دختران و آشنایان زنان و نیز نمایش هنرمندان عمومی را برملا می‌سازد. بعداً تعامل بین ایرانیان و اروپاییان ساختمان تلگراف ایران آرام‌تر از مهمانی نا هنجار کرمانشاه گردید و بر اساس قوانین رسمی پرتکل اداره شد. آنها هم چنین شواهدی از حضور مداوم تأثیرات اروپایی را نشان می‌دهند که ناصرالدین شاه را تهییج کرد تا نقشه سه سفرش را به اروپا طراحی کند. آموزش شاه بر اساس تحصیلات سنتی اسلامی، زبان و ادبیات فارسی و عربی بود، با این حال او فرانسوی، تاریخ و جغرافیا را نیز آموزش دیده بود و بانی ترجمه کتاب‌های اروپایی همین رشته‌ها به فارسی بود.^۲ او بسیار مشتاق فن آوری اروپایی دوربین‌های عکاسی بود و دوربین‌هایی که از ملکه ویکتوریا و تزار نیکلاس اول^۳ دریافت کرده را به عنوان هدیه برای پدرش محمد شاه در سال ۱۸۴۴ ارسال نمود و خودش نیز یک عکاس غیر حرفه‌ای مشتاق گشت. برنامه‌های جاه طلبانه او برای مدرن سازی تهران که در سال ۱۸۶۷ آغاز شد، نتیجه دیدارهای او از اروپا بود. او نخستین ایرانی نبود که انگلستان را در طول قرن نوزدهم دیدار می‌نمود. میرزا ابوالحسن خان شیرازی، سفیر فتحعلی شاه به دربار جرج سوم از سال ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۰، نمونه یک تجربه موفق و سترگ در لندن بود که به زودی با یادگیری انگلیسی در حد کافی برای صحبت با گستره وسیعی از مردم همراه شد.^۴ همین‌طور، سه شاهزاده جذاب قاجار، فرزندان حسین علی میرزا

1. Wills, 114– 115.

2. See Abbas Amanat, *Pivot of the Universe, Nasir al-Din Shah Qajar and the Iranian Monarchy 1831–1896* (London and New York, 1997), 58– 88 for a survey of his education.

3. Tsar Nicholas

4. *A Persian at the Court of King George 1809–1810. The Journal of Mirza Abul Hassan Khan*, trans. and ed. Margaret Cloake, (London, 1988).

فرمان فرما و حاکم ایالت فارس که از سال ۱۸۳۵ تا ۱۸۳۶ در بریتانیا به سر می‌بردند، تحت تأثیر شگرف جامعهٔ لندن قرار گرفتند.^۱

با این حال، ناصرالدین شاه نخستین حاکم ایران بود که دیدارهای رسمی گسترده‌ای از اروپا داشت که شرح آنها را در سه دفتر خاطرات سفرش ضبط نمود.^۲ او در طول نخستین سفرش از ۱۹ آوریل تا ۵ سپتامبر ۱۸۷۳ از راه زمینی به روسیه، آلمان، انگلستان، فرانسه، سوییس، ایتالیا و اتریش و سپس در طول بازگشت به تهران از راه ترکیه و گرجستان مسافرت نمود. او یک ماه را در انگلستان گذراند و در ۱۸ ژوئن در دوور^۳ پیاده شد و در ۵ جولای از طریق پرتسموث^۴ راهی چربورگ^۵ شد. تشریفات مفصلی برای شاه تدارک دیده شده بود که شامل برنامهٔ کامل پذیرایی‌ها، جشن‌ها و مراسمی بود که به میزبانی شاهزاده و شاهدخت ولز^۶ صورت گرفت و اعطای نشان گارتر^۷ توسط ملکه ویکتوریا در ویندسور، بازدیدهای دریایی و نظامی، یک بازدید از کارخانهٔ نخ ریسی منچستر و بازدید از جاذبه‌های عمدهٔ لندن مثل برج لندن،^۸ کلیسای وست مینستر^۹ و خانه‌های مجلس نیز جز برنامه‌ها بود. عموم افرادی که شاه را می‌دیدند این امر برایشان تازگی داشت و به او خوشامد می‌گفتند و ظاهر برجسته و لباس‌هایش را تحسین می‌نمودند و با وی هم چون یک شخص نامدار رفتار نمودند. جدا از ضبط این وقایع در دفتر روزانه اش، او در نامه‌های ملکه ویکتوریا نیز پدیدار شد، در حالی که دو روزنامهٔ تایمز^{۱۰} و اخبار مصور لندن^{۱۱} هم در

1. James Baillie Fraser, *Narrative of the Residence of the Persian Princes in London in 1835 and 1836*, (London, 1838), vol. 1 and 2.

2. Two of his three European travel diaries have been translated into English: J.W. Redhouse, *The Diary of H. H. the Shah of Persia* (London, 1874) and A. Houtoum-Schindler and L. de Norman, *A Diary Kept by His Majesty the Shah of Persia During his Journey to Europe in 1878* (London, 1879).

3. Dover

4. Portsmouth

5. Cherbourg

6. Wales

7. Garter

8. Tower Of London

9. Westminster Abbey

10. *The Times*

11. *The Illustrated London News*

پوشش رسمی مراسم شرکت کردند.^۱ هم چنان که یک انتشارات هفتگی به نام اخبار،^۲ بر مقالاتی درباره ایران تمرکز کرد که شامل توصیف شهرهای عمده، زندگی نامه سران مهم قاجار و تصاویر فراوان از صحنه‌های مسافرت بود.

تعداد زیادی از اشراف‌زاده‌ها، مقامات عالی‌رتبه و رسمی در برنامه ناصرالدین شاه جای گرفتند، اما مرادات او با مرداک اسمیت^۳ می‌رفت تا به یک دوستی دائمی بدل شود. مرداک اسمیت، یک افسر مهندسی سلطنتی بود که در سال ۱۸۶۴ به ایران رسیده بود و بر خط تلگراف تهران - کهرود نظارت می‌کرد. او به زودی به عنوان رئیس و مقام ارشد محلی در سال ۱۸۶۵ ارتقا یافت، پستی که تا زمان بازنشستگی در سال ۱۸۸۸ آن را حفظ نمود. به عنوان رئیس، او اداره کل و حساب‌های ساختمان تلگراف ایران و ساخت و ساز خطوط جدید تلگراف را نظارت نمود و برای بازدید دفاتر در تمام ایران به‌طور منظم مسافرت نمود. سفرهای او با روان شدنش در سخن به زبان پارسی ترکیب شد و به او یک شناخت ژرف از کشور و مردم و رسوم آن بخشید که سبب شد مردم ایران را محترم بشمارد و تحسین کند. بعداً، او یک محقق پیشگام و معروف در مطالعه هنر ایرانی شد.^۴ ضمناً، او از دوره طولانی ترک وطن در زمان ناصرالدین شاه، لذت می‌برد. نخستین جلسه آنان در لندن به عنوان یک ملاقات رسمی در کاخ باکینگهام^۵ در سه شنبه ۲۴ ژوئن اتفاق افتاد و با حضور نخست‌وزیر، دبیر ایالت هند و وزیر امور خارجه همراه بود. شاه نوشته‌است که پس از آن، دبیر هندی افراد مادونش را معرفی نمود که تعداد زیادی بودند؛ در میان آنها گلد اسمیت^۶ حضور داشت که به مرزهای سیستان و بلوچستان رفته بود، کارکنان تلگراف تهران و دیگران.^۷

1. *Illustrated London News* (London, 1873), LXII: 1763– 1765, 14, 21, and 28 June; LXIII: 1766–1767, 5 and 12 July.

2. *The News*

3. Murdoch Smith

4. Jennifer M Scarce, "Persian Art through the Eyes of Major General Robert Murdoch Smith KCMG," in *The Enterprising Scot*, ed. Jenni Calder (Edinburgh, 1986): 131–138

5. Buckingham Palace

6. Gold_Ismit

7. Redhouse, 167.

شاه و اسمیت در طول روزهای آخر بازدید شاه دوباره یکدیگر را ملاقات نمودند، هنگامی که شاه در حال گشت و گذار و خرید هدیه و سوغاتی برای بردن به خانه بود. او پنج شنبه ۳ جولای به کریستال پالاس رفت و نمایشگاه‌ها و اجراها را تحسین نمود. مرداک اسمیت حاضر بود و توانست به شاه در خرید بعضی نقاشی‌ها کمک کند: ما همه چیز را بررسی نمودیم، اما بخش زیادی از اشیای زیبا قبلاً فروخته شده بودند، یا اصلاً قابل فروش نبودند. ما حدود ۱۰ یا ۱۵ نقاشی زیبا را انتخاب نمودیم، آقای اسمیت که به عنوان رئیس تلگراف ایران فعالیت می‌کند، آنها را برای من توضیح داد.^۱ اسکاتلندی‌ها، شاه را در روز آخر سفرش در انگلستان به شیوهٔ متفاوتی سرگرم نمودند. روز جمعه، ۴ جولای، او محل اقامت دوک آرگیل^۲ و دبیر ایالت هند را که در محوطهٔ باغ بودند را بازدید نمود. یک نوازنده با لباس اسکاتلندی^۳ آمد و برای مدتی فلوت و نی انبان نواخت. شخص دیگر با لباس اسکاتلندی به شیوهٔ مرسوم اسکاتلندی رقصید. او چهار شمشیر را بر روی یک میز گرد چید و برای مدتی دور شمشیرها رقصید.^۴ تأثیر بازدید نخست شاه از انگلستان ماندگار نبود. از لحاظ سیاسی، دربارهٔ تعیین یک نقطه به عنوان مرز دائمی در سیستان و بلوچستان بین ایران و افغانستان مذاکره شد. خاطرات محبوب شاه در بین مردم در تصنیف‌های موسیقی مثل «شاه را دیده‌ای؟»^۵ و عروسک‌ها و ظروف سفالی که به شکل وی طراحی شده بودند، شکل گرفت.^۶ برای ایران، بازدید از اروپا ارتباطات نزدیک‌تر فکری و فن‌آوری را در بر داشت.

مرداک اسمیت تقویت یک رابطهٔ خوب با ناصرالدین شاه را ادامه داد که سبب متقاعد کردن شاه برای اهدا کردن مجموعهٔ فرش‌ها و منسوجات ایرانی به موزهٔ کنسینگتون جنوبی در سال ۱۸۷۷ شد. او هم چنین در سال ۱۸۸۵ یک شمشیر افتخار به دلیل به رسمیت شناختن خدماتش به ساختمان تلگراف ایران دریافت نمود. آخرین وظایف او پیش از بازنشستگی رسمیش از ایران در سال ۱۸۸۸ اهدای مجموعه ای

1. Redhouse, 210.

2. Duke Of Argyll

3. Scotch

4. Redhouse, 212.

5. See Wright, *The Persians among the English*, 232–233, for the full text of this song.

6. There is a German doll of the Shah in the collections of the Museum of London (inv. No. A8416) originally in the possession of Victoria, Princess Royal, the eldest daughter of Queen Victoria, who had married Prince Frederick William of Prussia in 1858. There was also a Staffordshire pottery figure of the Shah.

از سازهای موسیقی برای گروه نظامی از طرف ملکه و یکتوریا به شاه بود که شاه نیز به او یک جعبه انقیه دان با لعاب طلائی و مزین شده با الماس، پیشکش کرد. سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۸۸۹ به مدت یک ماه در بریتانیا ۱ تا ۲۹ جولای رخ داد. او در این موقعیت به‌طور گسترده‌ای مسافرت نمود و در منازل کشور در شمال انگلستان اقامت نمود و نیز گلاسکو و ادینبورگ را از نزدیک دید. آخرین دیدار مرداک اسمیت با شاه در ۲۳ جولای در یک مهمانی در تالار اصلی موزه علم و هنر ادینبورگ (موزه سلطنتی کنونی اسکاتلند) رخ داد، جایی که وی به عنوان رئیس موزه پس از بازنشستگی منصوب شده بود. این جا وی توانست تا با یک تشریفات مناسب از شاه استقبال کند:

صفوف در تالار اصلی شکل گرفت، اما شاه با ژنرال مرداک اسمیت درباره موزه و امور کلی به بحث پرداخت و متقاعد کردن اعلی حضرتش برای حرکت به جلو اندکی سخت بود. او می‌خواست به تعدادی از اشیا که در تالار مرکزی موزه نظر او را به خود جلب کرده بودند، نگاه کند، اما ژنرال اسمیت توضیح داد که مردم منتظرند تا از او پذیرایی کنند و شاه آرام اظهار داشت که ما باید بازگردیم و این اشیا را ببینیم. اعلی حضرت به لرد پرووست^۱ ملحق شد و گروه را نیزه داران شهر راهبری کردند تا به تالار اصلی رسیدند.^۲

این سه رویداد با هم انتخاب شدند تا قرن نوزدهم را توصیف کنند و تجربیات نجبای قاجار در ارتباطات اجتماعیشان با اروپاییان در ارایه و دریافت مهمان نوازی را شرح دهند. در خانه در ایران، آنها قادر بودند تا با مهمانانشان به راحتی در چای سنتی و جشن‌های شبانه اختلاط کنند، در حالی که خارج از کشور، ناصرالدین شاه به رسمیت فرهنگ دربار خو گرفت و قادر بود تا از مهمانی‌ها و سرگرمی‌هایی که از سوی میزبانان اروپایی اش فراهم شده بود، لذت ببرد. دو اسکاتلندی و پزشک انگلیسی نیز به نوبه خودشان در ارتباطشان با ایرانیان و سازگاری مطلوب با نیازهای شرایطشان پیروز بودند.

1. Lord Provost

2. The Scotsman, 24 July 1889.